

**در انتخاب ۲۰ جلد
کتاب زندگی مان بیشتر دقت کنیم!**

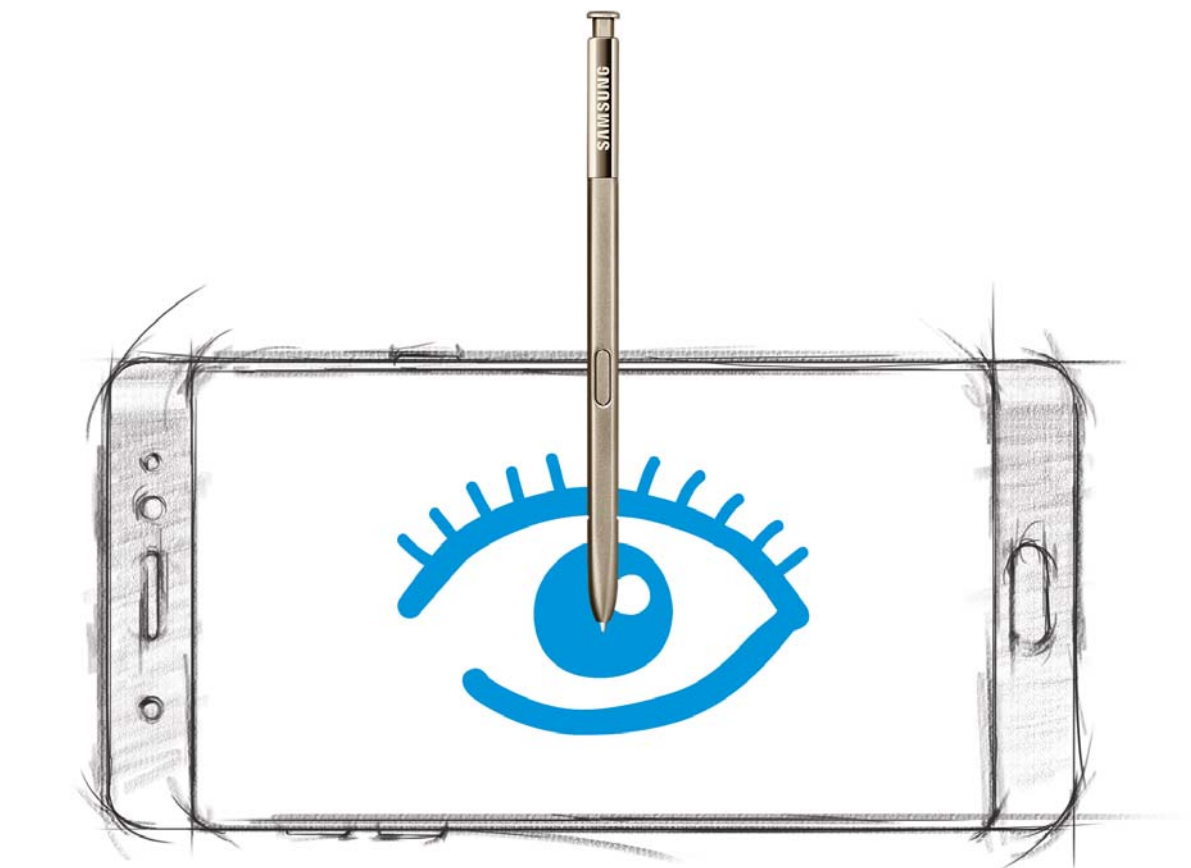
وحید شامخی*

- شاید جالب باشد بدانیم که بر اساس تحقیق اخیر انجام‌شده در NOP World، مردم هند بالاترین میزان مطالعه هفتگی را با ۱۰ ساعت و ۴۲ دقیقه و پس از آن تایلند و چین به ترتیب با ۹ ساعت و ۴۲ دقیقه و هشت ساعت میزان مطالعه هفتگی داشته‌اند! در این زمینه در کشور ما آمار متفاوتی مطرح می‌شود، اما بایاید فرض کنیم که در ایران میزان مطالعه هفتگی حدود ۵۵ دقیقه، یعنی روزی پنج دقیقه باشد. روزی پنج دقیقه یا ۳۵ صفحه کتاب است که هر کتاب به‌طور متوسط ۳۵۰ صفحه‌ها باشد، پس خواندن یک کتاب تقریباً ۱۰ هفته، یعنی دوماه‌ونیم به طول می‌انجامد. اگر همین محاسبات را ادامه دهیم، تقریباً می‌شود سالی پنج کتاب! اگر هر انسان به‌طور متوسط ۴۰ سال به کتاب‌خواندن با روال بالا بپردازد، پس انتهای عمر خود فرصت خواندن تنها ۲۰ کتاب از ۴۰ کتاب خواهد داشت! و این در حالی است که بر اساس محاسبات انجام‌شده به‌وسیله گوگل در سال ۲۰۱۰، بیش از ۱۹۹ میلیون جلد کتاب متفاوت در کره زمین به چاپ رسیده است! نمی‌خواهم بگویم که بیشتر کتاب بخوانید که اگر بخوانیم قطعا حداقل به خود خدمت کرده‌ایم، اما می‌توانیم بگویم که در انتخاب ۲۰۰ جلد کتاب زندگی‌مان بیشتر دقت کنیم.

نکته

- لیلی گلستان، خسرو سینایی، محمد شمس‌لنگرودی و فریدون شهبازیان به همکاری خود با باشگاه هواداران هنر ایران پایان دادند. این باشگاه با هدف برگزاری برنامه‌های فرهنگی در شهرستان‌ها شکل گرفته بود و این هنرمندان به‌عنوان مشاوران حوزه ادبیات خارجی و تجسم‌سنجی داستانی و مستند، شعر و ادبیات ایران و موسیقی، تا زمان نشست رونمایی این باشگاه در خانه همایش همکاری داشتند. آنان به تازگی از همکاری نکردن خود برای ادامه کار با این باشگاه به مدیریت مریم جلالیان خبر داده‌اند. پیش‌ازین مینا اکبری استعفاي خود را اعلام کرده بود.

سامسونگ
SAMSUNG



با اسکن چشم... از اول پائیز

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۸ شهریور ۱۳۹۵ • ۲۶ ذی القعدة ۱۴۳۷ • ۲۹ آگوست ۲۰۱۶ • سال چهاردهم • شماره ۲۶۶۸ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۱۹:۵۴ • اذان صبح فردا ۵:۰۷ • طلوع آفتاب ۶:۳۵

روزنامہ فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



جلال پیرمرزا آباد

سبیل جدید داعش، کودکان انتحاری



هاشم صباغیان



مرحوم «محمدعلی رجایی» که امروز بیست و پنجمین سالروز شهادتش است، سیاستمداری بود که تاریخ ایران کمتر به خود دیده است. من با مرحوم رجایی در دوران دانشجویی و در انجمن اسلامی دانشگاه تهران آشنا شدم. او نماینده دانشجویان دانشکده علوم در انجمن بود و من نماینده دانشکده فنی بودم. رجایی دانشجویی تلاشگر و پرتوان بود. او هم‌زمان با تحصیل در دانشکده علوم، معلم آموزش درواری در زادگاهش، قزوین، بود، به همین دلیل صبح‌ها به قزوین می‌رفت و درس می‌داد و عصرها خودش در دانشکده درس می‌خواند. خودش می‌گفت که در مسافت تهران به قزوین و برعکس مطالعه می‌کند و به همین دلیل دانشجوی ممتازی است. آشنایی من و رجایی از اینجا شکل گرفت اما پس از

ماجرای عشق و عاشقی میدون

لایک‌های آبدار و نان‌ندار



پوریا عالمی

بابای سوفیا از ما خواسته تحت هر شرایطی دولت فعلی حمایت کنیم، ما خیلی دوست داریم حرف بایا سوفیا را زمین نیندازیم، منتها ما صد درصد نمی‌توانستیم از دولت قبلی بدمان بیاورد؛ چرا؟ چون ما عادت داریم سیاه و سفید را از یکدیگر ببینیم، دولت قبلی هم ممکن است اقتصاد را از بین برده باشد و افسردگی عمومی را بالا برده باشد و مهاجرت و آسیب‌های اجتماعی را بیشتر کرده باشد و اقتصاد و رابطه ما را با جهان صفر کرده بود و فساد فکری و تضادی را تبدیل به شوخی کرده، اما همه‌چیز به سبخرزایی احمدی‌نژاد می‌گردد، مردم از ته دل می‌خندیدند و آن چیزها پادشاه می‌رفت. الان می‌گوییم؟ دولت فعلی مذاکره کرده و کشور را از انزوای خارج کرده - به نظر ما دیگر دانشمندان - جلو راجه جنگ جهانی سوم را گرفته بعد چندتا سوتی داده؛ اما، به نظر دستان کنسرت‌ها و ماندن توی قضیه ارانه‌ها و چیزهای دیگر، این وسط فقط شهرداری تهران است که توی آن دوره و توی این دوره دارد بار خودش را می‌کند و اسلاد دولتی و ملی را به بیخیم دولتی به مدیریتش می‌فروشد. اینها کلی طور خوبه‌سازی می‌کنند، دولت هم می‌طور.

خبر. حالا با این شرایط، بابای سوفیا از ما خواسته تحت هر شرایطی از دولت حمایت کنیم، ولی نمی‌شود. والا تحت هر شرایطی هم از استقلال و سبخرزایی نمی‌توانیم حمایت کنیم. وقتی طرف چندتا گل می‌خورد، ما نمی‌توانیم بگوییم که این چیزی از ارزش‌های ما کم نمی‌کند؛ وقتی جلوی دوربین، شادی پس از گل را استادیوم، اینجا به تفاوت فرهنگی دیپلمات احمدی‌نژاد در

سخر برزلی اشتباه می‌گیرند یا وقتی دروازه یکی
سوراخ است، اما دارد روی فکل موی هذر نشان
برمایه‌گذاری می‌کند، ما نمی‌توانیم حمایت
بدرصدی صدمی بگیریم. به بابای سوفیا هم گفتیم،
رسولیس هم خراب است. ما ضعیف‌تر از به زبان
می‌آوریم. چرا؟ چون همین احمدی‌نژاد اولش
رفت پارسلوانست منتها وقتی شروع کرد یک پا
و پاکردن و به خودش لای می‌زد، رسانه‌ها بهش
گفتند استاد دروازه آن طرف است. همین شد که
ا بعدای بابا پارسلونا آمد، منتها وضعیت مملکت
را سعاد با فوئرلاند دستنی، بابای سوفیا از ما
ساکای است و می‌گوید با این شرایط من سوفیا را
هت نمی‌دهم، من هم برای سوفیا نامه نوشتم که
بین سوفیا من و هوادر و طرفدار کسی نیستم، نه
رسولیس، نه استقلال، نه دولت و نه احمدی‌نژاد.
البابای هم که اصلا، اما محسن رضایی یک کمی.
به سوفیا گفتم هیچ طرفداری کنوی دنیا حقوق
می‌گیرد، حق دارد حقوق شهروندی‌اش را
بترت به دیگران متذکر شود. بابای سوفیا می‌گوید
بدون دوم تو داری آب به آسیاب دشمن می‌ریزی
انجاسج اصلاح طلبان را از بین می‌بری، من به
بابای سوفیا می‌گویم شما اول اصلاح طلبان را به
من نشان بده.

بابای سوفیا می‌گوید میدون دوم تو داری
مردم را تا امید می‌کنی. من می‌گویم فهرست امید
میدواران کرد؟

بابای سوفیا در پایان نتیجه گرفت من به درد
سوفیا نمی‌بخشم و آرزو کرد ای کاش من در شورای
شهر، شهرداری، مدیر ذخیره دولت فعلی، مدیر
ورزشی دولت قبلی، آقا زاده‌ای، چیزی بودم و بارم
باسته بودم و البته یک صفحه هم نوی اینستارگام
فالوئر زیاد داشتم و با گذاشتن عکس دری‌وری و
حرف‌بازمه‌نوشتم، مردم را گرم می‌کردم. پایان.
به قول بابای سوفیا این لایک‌ها برای مردم آب
می‌شود، ولی برای خیلی‌ها نان شده.

آن سوی تاریخ

به بهانه هشتم شهریور ماه سالروز انفجار در دفتر نخست‌وزیری

مسئولان ما باید خصلت‌های رجایی را داشته باشند

کتابخانه‌ای» از جمله دیگر کسانی بودند که مرحوم رجایی به نظرشان اهمیت بسیاری می‌داد. امروز خیلی‌ها شعار این را می‌دهند که می‌خواهند مانند مرحوم رجایی باشند. بسیاری از آنها در این راه موفق نبوده‌اند. شعاع‌داران کار آسانی است؛ این‌ها مثل مرحوم رجایی لباس پیوشیم و حرف بزنیم. برای همه امکان‌پذیر است. اما کارنامه افراد است که نشان می‌دهد آیا آنها مطابق این جمله رجایی که می‌گفت: «من اگر به چیزی اعتقاد نداشته باشم، آن را بیان نمی‌کنم و اگر در کاری موفق نباشم، به دیگران آن روش را توصیه نمی‌کنم»، عمل کرده‌اند یا نه. عمل به این جمله کار بسیار دشواری است و همین‌هاست که رجایی را از دیگران متمایز می‌کند. رجایی مردی راستگو، راسخ، اماندار، پایشتکار و در عین حال با حس قوی همکاری بود. این خصوصیات مرحوم رجایی است که باید بازگو و درباره آنها صحبت شود. جامعه و مسئولان ما امروز نیاز دارند این خصلت‌ها را بیشتر در خود پرورش دهند چراکه مسئولان جز با این ویژگی‌ها نمی‌توانند جامعه را به راه صلاح هدایت کنند.

آنکه در سال ۱۳۵۳ توسط ساواک دستگیر و زندان قزل‌قلعه محبوس شدیم. آشنایان مان بیشتر و عمیق‌تر شد. آنچه بیش از همه چیز از من دوران به خاطر دارم، صحبت‌هایی است که مرحوم رجبی درباره باجونی‌های من می‌کرد. مرحوم رجبی معتقد بود حتی مقابل باجو هم باید چیزی را بگویم که به آن اعتقاد نداریم. من فکر می‌کنم مرحوم رجبی در تمام زندگی و سئولیتشان در سمت‌های مختلف از نمایندگی مجلس اول شورای اسلامی تا نخست‌وزیری همین بزرگس را حفظ کردند. او همیشه محکم ایستاد و برخلاف اعتقادش عمل نکرد. حتی به یاد دارم، روزی که جسم بی‌جان مرحوم رجبی و باهمن را پس از انفجار در ساختمان نخست‌وزیری به صحن مجلس آوردند، بالای جنازه مرحوم رجبی رفتم در چهارش همان صلابت همیشگی را دیدم، مدون هیچ ترس و وحشتی؛ اگرچه این محکم بودن به معنی خودباری او نیست. رجبی چندین بار با من درباره انتقاد بعضی از وزرایش مشورت کرد. مهندس «مهدی بازرگان» و مهندس «مصطفی

گزارش فردا

پوشش پرستاران به بازرسی بیشتر نیازی ندارد

پرستار گفته نمی‌شود؛ اما بعد از درج در پرونده، می‌توان آن را پیگیری کرد: «من خودم به دلیل نوع پوشش ما به حال تذکر مستقیمی دریافت نکردم؛ اما به‌هرحال وقتی که شما فرم استخدا را در یک بیمارستان تأمین اجتماعی پر می‌کنید تمام این موارد از شما به صورت کتبی، تعهد گرفته می‌شود». اما به‌تازگی بازرسها فقط محدود به نوع پوشش پرستاران نمی‌شود و گاه حتی از نوع کاری که می‌کنند، هم به میان می‌آید: «از زمان تصویب طرح تطبیق، ترجیح این است که پرستاران خانم کار بیماران خانم را انجام دهند و مسئولیت بیماران مرد با پرستاران مرد باشد؛ به‌هین دلیل هم ممکن است سرپرستار یا حتی خود پرستار به‌خاطر رسیدگی به بیمار غیرهمجنس، تذکر دریافت کنند».

به گفته «ع» که یک پرستار آقااست، این شرایط زمانی به وجود می‌آید که در بخش به حد کافی پرستار از هر دو جنس نباشد و خدمات‌رسانی به بیماران براساس طرح تطبیق، تفکیک جنسیتی نشده باشد؛ «ف» بخش پرستاری یک دفتر تقسیم کار دارد که همه فعالیت‌های روزانه پرستار در آن ثبت می‌شود. براساس این دفتر را چک می‌کنند و اگر براساس طرح تطبیق نباشد، تذکر می‌دهند و ما تنها زمانی می‌توانیم از خودمان دفاع کنیم که در آن شیفت ویژه، پرستار هم‌جنس با بیماران، یا به ما داشته باشیم یا اصلا نداشته باشیم.» «ع» با تأیید این طرح می‌گوید که بیمارستان و نیروهای فعال در آن به طور مستمر بازرسی می‌شوند و این بازرسی‌ها فقط محدود به پوشش خانم‌ها نیست؛ «به عنوان مثال من ندیده‌ام که بایاند و از ما پرسند که فلان همکاران آرایش می‌کند یا نه؛ اما درباره آقایان از ما سؤال می‌شود. به‌ویژه درباره نوع برخوردشان با بیماران.»

سعید برآبادی: با وجود آنکه پراخت مبلغي به پرستاران برای تهیه لوازم آرایشي، خيلي زود از طرف ارگان‌هاي رسمي تذيب شد؛ اما حالا دادستاني اعلام کرده که برای بررسی وضعیت پوشش و آرایش پرستاران نیروهايی را به بیمارستان‌ها خواهد فرستاد؛ با این‌همه پرستاران به «شرق» می‌گویند که تا پیش‌از این هم نظارت و بازرسی‌هایی از سوی بیمارستان در این باره وجود داشته و شاید نیاز به بازرسی بیشتر نباشد. علاوه بر اینکه معاون پرستاری وزارت بهداشت هم از دادستان تهران کله کرده است که چرا پیش از رساندن این‌کردن این ماجرا، مسئله را با آنها در میان نگذاشته. «س» که پرستار خانمی در یک بیمارستان دولتی زیر نظر سازمان تأمین اجتماعی است، به «شرق» می‌گوید: «ما در فیش‌های حقوقی خود، دسترسی برای لوازم آرایشي نداریم و اتفاقاً شایع کارمان هم عکس این است؛ به این معنی که اگر در سر سار آرایش گذاشته باشیم، حتی آرایش سدر و ملایم، تذکر می‌گیریم».

باین همه او می‌گوید که براساس سنجیده‌هایش در بعضی از بیمارستان‌های خصوصی تهران، پرستاران بابت لوازم مصرفی آرایش، مبلغی را دریافت می‌کنند؛ اما تاکید می‌کند که نمی‌داند این مبلغ در قیاس حقوقی آنها قید می‌شود یا نه. به عبارت دیگر شاید بتوان گفت که نظارت بر پرستاران بیمارستان‌های دولتی در حوزه نوع پوشش و حجاب بسیار جدی است؛ «چه زمانی که شما قرار است استخدام شوید و چه در دوره کاری، بازرسی به صورت مداوم انجام می‌شود و پرستاران که حین کار به هر دلیل، حجابشان کمی نامرتب شده، به طور حادکار، متعده‌ها را جلو می‌کشند و حواس‌شان هست که آرایش نداشته باشند». نتیجه این بازرسی‌ها به صورت مستقیم به

زیر آسمان شهر

وقتی خبرنگار کتک می خورد

گیسو فغفوری

خبرنگار که وظیفه‌اش اطلاع‌رسانی است - را به دلیل دریافت اطلاع و خبر تنگ دهاند. در مدت کمتر از چند دقیقه مجموعه‌ای از رهنمودها و توضیفات و واکنش درباره این اتفاق با اشاره به سابقه نمایندده در شبکه‌های عمومی منتشر شد، به همراه مجموعه‌ای از عکس‌های این نمایندده که می‌توان حالت استهزا را در آن دید. کمتر کسی هست که فایل تصویری سخنان این نمایندده که مجموعه‌ای از توهین به خانمها و توهین درباره رزمندگان را دربر می‌گرفت، از یاد داشته باشد. کمتر کسی را فراموش کرده بود که او خود را به‌عنوان رزمنده، معرفی کرد، کمتر کسی را سخنان را فراموش کرد. الان هم مدت مدام یادآوری می‌کنند گذشتن به‌راحتی از آن فیلم و نحوه‌ای که نمایندگان لیست امید به‌سادگی از آن عبور کردند، درست نبود. اما همه این مسائل سیاسی و بده‌بستان‌ها جای خود دارد، اما سؤال بی‌جواب برای همه این است که جایگاه خبرنگار چیست؟ یک خبرنگار با توجه به تمام قوانینی که درباره انتشار آزاد اطلاعات وجود دارد، تا کجا امنیت دارد؟ تا کجا کسی می‌تواند از خبرنگار حمایت کند؟ هرچند بسیاری جواب این سؤال را می‌دانند که نحوه رفتار نمایندده تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند درست باشد اما میزان حمایت از او تا کجاست؟ ما خبرنگاران باید ایدمان می‌افتد که زمانی انجمن صنفی داشیم.

می‌دانیم که ارزش‌ها و اصول تغییر کرده است. می‌دانیم ما انجمن صنفی نداریم. اما درک برخی از اتفاقات هنوز برایمان عجیب است. مثلاً هاجن اتفاقی که دیروز در مجلس رخ داده است؛ واقعاً اتفاق افتاده است، شاهد هم وجود دارد. یک نماینده مجلس با مشت به صورت یک خبرنگار زده است، یقه‌اش را گرفته و گشاکشان به سمت حراست برده، قابل دستگاه ضبطش را هم پاک کرده‌اند و حتی قرار شده است که ممنوع‌الورود شود. برای این رفتار هم دلیلی داشته، چون از نحوه سوال پرسیدن خبرنگار خوشش نمی‌آمده است. از نظر نماینده «ارومیه» در مجلس، خبرنگار «روزنامه ایران» اهمیت و جایگاه ترک‌زبانان و نقششان در دفاع از ایران و شیعه را درک نمی‌کرده است و خبرنگار هم استلال نماینده مجلس برای اهمیت تشکیل فراکسیون ترک‌زبانان مجلس را درک نمی‌کرده است.

این تفاوت عقیده سبب شده است که نمایانده خود را در این جایگاه ببیند که با خبرنگار زده‌خورد فیزیکی کند. این اتفاقات واقعا در مجلس رخ داده است؛ مهم هم نیست که اصلاح طلبان یا کسانی که با لیست «امید» به مجلس آمده‌اند، حدود صد نفر هستند. مهم هم نیست که این خبرنگاران آن‌طور که نادر قاضی‌زاده برایش مهم بوده به چه کسی رای داده، فارغ از تمام علاقه‌مندی‌های سیاسی، در مجلس و مکان قانون‌گذاری یک نفر-